

تنیس، از سقوط آزاد تا آغاز دوران تازه

آسانسور خاموش، روشن می شود!



سعید آقایی

Saeed Aghaee



گویا نصب العین این رشته در یک دهه اخیر بوده.

تنیس سال هاست که در ایران بدل به یک رشته گوشه گیر و گوشه نشین شده است. پس از دوران طلایی پیش انقلاب و ظهور ستاره های بزرگی که حتی مدال آسیایی را به این رشته جذاب هدیه کردند، تنیس در سال های طولانی بعد از انقلاب کمتر دستاوردی داشته و موفقیت را تجربه کرده.

باختن، باختن و باختن؛ این حدیث مکرر تنیس ایران است؛ اتفاقی که هر سال به سال دیگر و از تورنمنتی به تورنمنت دیگر تکرار می شود و گویی از آن گریزی نیست. برای تنیس ایران حتی رویابافی درباره حضور صرف در گرنداسلم ها و المپیک ها ممنوع و قدغن است که این موضوع اسباب خنده و مضحکه را فراهم می کند. تنها حضور بین المللی ایران به رقابت های دیویس کاپ محدود می شود که در آن مدت ها است از آسانسور عبور کرده و حکم زنگ تفریح را پیدا کرده ایم. آسانسوری که حالا در پارکینگ خاموش شده و حرکت نمی کند!

شانه به شانه فوتبال می زند. ورزشی که اعتبار، اهمیت، نفوذ، جایگاه و البته اقتصاد و ستاره هایش اگر نگوییم از فوتبال بالاتر، هم ردیف مهم ترین رشته ورزشی دنیا قرار می گیرند اما در ایران از چنین پتانسیل عظیمی تنها تماشا نصیب ما شده؛ تماشا بدون هیچ بهره ای.

رشته ای که در دنیا ترنول مالی آن هم اندازه رشته مهم و پولسازی چون فوتبال ارزیابی می شود و ستاره هایش جملگی جزو پولسازترین و البته پولدارترین رشته های دنیا به شمار می روند اما در ایران این داستان به گونه ای دیگر روایت شده و همه چیز دقیقاً در نقطه صفر آغاز می شود.

در عصر مینی مال ها، مخاطبان بدون گلایه، خمیازه و پلک زدن نزدیک به ۶ ساعت دقیقه به تماشای فینال یک گرنداسلم می نشینند و چشم از زمین بر نمی دارند اما سهم تنیس ما از این پدیده جذاب نه صفر، بلکه زیر صفر است؛ ورزشی که در ایران در گرداب ناکامی و سقوط گیر افتاده و از این دنیای بی پایان لذت و مکنت سهمی نمی برد. در تنیس ایران مدتهاست همه چیز به یک واژه ختم می شود؛ شکست و ناکامی! واژه ای که

ورزش ایران مصداق عینی بریدن شیشه با الماس است. یک استعاره تلخ برای استفاده پست و ضعیف از یک عنصر با ارزش و با کیفیت. یک تمثیل حقیقی و قابل لمس. الماسی که می تواند بر صدر بنشیند و در جواهرات زینتی گل سرسبد مجلس به شمار می رود، یک کیمیاگری معکوس بدل به متاعی می شود که تنها کارش شیشه بری است!

در ورزش ایران از این دست کیمیاگری ها فراوان داریم. تصمیمات غلط و اشتباهی که تیم و یا مجموعه ای را بر باد می دهند و یا استفاده از افراد اشتباه در پست های ریز و درشت که سبب در جازدن و یا عقبگرد یک مجموعه می شود. در حقیقت ورزش ایران تقریباً همیشه بر همین مدار حرکت کرده و با تصمیمات غلط اندر غلط و انتصابات اشتباهی از قافله پیشرفت و موفقیت دور مانده. در حقیقت ورزش ایران همیشه بر پایه اشتباهات راهبری و راهبردی حرکت کرده مگر آنکه خلاف آن ثابت شود! آنچه در تنیس ایران در یک دهه اخیر گذشته، برداشت آزاد و تمثیلی حقیقی از این گزاره تلخ است. رشته ای که در تمام دنیا سکه رایجی دارد و